

شیوه‌های آشکارسازی حضور روایت‌گیر و نشانه‌های آن در داستان‌های کوتاه هفته‌نامه‌ی

دوچرخه

مه‌بود فاضلی *

یاسمن مجیدی **

چکیده

در این پژوهش به منظور بررسی شیوه‌های به‌کارگرفته‌شده از سوی راویان برای آشکارسازی حضور روایت‌گیر در داستان، چهل داستان کوتاه منتشرشده در یکی از هفته‌نامه‌های نام‌آشنای گروه سنی کودک و نوجوان به نام «دوچرخه» را انتخاب کرده‌ایم که این آثار در سال‌های ۱۳۹۰-۱۴۰۰ به قلم نویسندگان مختلف به رشته تحریر درآمده‌اند. برای یافتن این نشانه‌ها در متن که گاه با توقف در امر روایت‌گری همراه است و در این بین، راوی به ذکر جزئیات ناشناخته برای خواننده می‌پردازد، ضمن توجه به تعاریف مطرح‌شده و موجود از «روایت‌شنو» و «روایت‌گیر» در آثار نظریه‌پردازان روایت‌شناسی، به جستجوی نشانه‌هایی پرداخته‌ایم که کمتر از آن صحبت شده است. نتایج این پژوهش به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام شده است و نشان می‌دهد راویان برای تشخیص بخشیدن به روایت‌گیر، جلب توجه، تمرکز و اعتماد او به روایت و برقراری تعاملی صمیمانه با روایت‌گیر از شیوه‌هایی نظیر گفتگوی مستقیم، پرسش از روایت‌گیر، پاسخ به پرسش فرضی روایت‌گیر، برطرف کردن برخی ابهامات برای او، باز کردن پُرانتز در خلال روایت به منظور افزودن توضیحات بیشتر و ... استفاده کرده‌اند.

واژه‌های کلیدی: ادبیات کودک و نوجوان، داستان کوتاه، روایت‌شناسی، روایت‌گیر، هفته‌نامه دوچرخه

* دانشیار زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران ma.fazeli@alzahra.ac.ir

(نویسنده مسئول)

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

yssnmajidi@gmail.com

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۲/۷

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۷/۴

۱. مقدمه

روایت مجموعه‌ای متنوع از انواع ادبی است که در هر عصر و مکان و جامعه‌ای حضور دارد. به این معنا که هرگز هیچ‌کجا مردمی بدون روایت نبوده‌اند. گویی هر ماده‌ای برای داستان‌های بشر مناسب بوده است تا روایت‌ها را به آن بسپارند. (بارت، ۱۴۰۰: ۹) بنابراین، روایت فقط یک موضوع آکادمیک نیست، بلکه انگیزه‌ای انسانی و بنیادین برای شنیدن و گفتن داستان‌ها است. (کالر، ۱۳۹۰: ۱۲۹) که در طول زمان ژانرهای بسیاری یافته است، از اسطوره و افسانه و حماسه گرفته تا رمانس و تمثیل و هجو و رمان. اما همه‌ی آن‌ها صرف نظر از سبک، صدا یا پیرنگ متمایزشان در این مورد مشترک هستند: **کسی در مورد چیزی به کسی چیزی می‌گوید.** پس همیشه یک گوینده، یک قصه و یک شنونده وجود دارد. بسیاری از روایت‌شناسانِ امروزی، روایت‌های نقل‌شده در گفت و شنودهای روزمره را بنیادی‌ترین نمونه‌ی داستان‌گویی می‌دانند که مشارکین آن، افرادی واقعی و درگیر در تعامل مستقیم هستند. برعکس روایت‌های مکتوب که در آن، میان راوی و گیرنده‌ی روایت ارتباط دیداری و شنیداری برقرار نیست و با این حال نزد نویسندگان و خوانندگان، عضو غایب معمولاً به صورت فرضی و پندارین حضور دارد. (یان: ۱۳۹۸: ۱۰۴ و ۱۰۵) کرنی می‌گوید:

«حتی در مورد تک‌گویی‌های پسامدرن نظیر *آخرین نوار کراپ* یا *روزهای خوش*، اثر بکت^۱ آن‌جا که بازیگر با خودش حرف می‌زند و به حرف‌های خودش گوش می‌دهد نیز همواره وجود یک دیگری پنهان که قصه برایش تعریف می‌شود بدیهی قلمداد می‌گردد. این دیگری معمولاً ما شنوندگان قصه هستیم. به طور خلاصه آن‌جا که مؤلف یا مخاطب به نظر غایب می‌آیند، در واقع مستتر هستند.» (کرنی، ۱۳۸۴: ۱۳)

پس همواره، مؤلف متنی را می‌آفریند و خوانندگان آن را می‌خوانند. خوانندگان از متن، صدای راوی، صدای فردی که سخن می‌گوید را استخراج می‌کنند و راوی شنوندگانی را خطاب می‌کند که گاه ضمنی‌اند، گاه شکل‌یافته و گاه نیز به وضوح مشخص. مخاطبانِ روایت را روایت‌شنو یا روایت‌گیر می‌نامند و آنچه روشن است این است که روایت‌شنوها چه آشکار باشند و چه پنهان، روایت، مخاطبانی را شکل می‌دهد. (کالر، ۱۳۹۰: ۱۳۳) تودوروف^۲ به نقل از جرالِد پرنس^۳

^۱ Samuel Barclay Beckett

^۲ Tzvetan Todorov

^۳ Gerald Prince

نقش‌های متعددی را برای روایت‌گیر یادآور می‌شود و بیان می‌دارد که روایت‌گیر به کمک راوی می‌آید تا روایت چهارچوب دقیق‌تری پیدا کند. همچنین حضور او در شناساندن راوی یاری‌بخش است و برجسته‌ساز برخی درون‌مایه‌هاست. (تودوروف، ۱۳۹۵: ۷۵)

در این پژوهش به دنبال آن هستیم تا به شیوه توصیفی-تحلیلی با بررسی چهل داستان کوتاه منتشرشده در یکی از هفته‌نامه‌های نام‌آشنای حوزه کودک و نوجوان یعنی دوچرخه، با شیوه‌های به کارگرفته‌شده از سوی راویان داستان برای آشکارسازی حضور روایت‌گیر آشنا شویم و نمونه‌هایی را ذکر نماییم. از آنجا که روایت‌گیر درون‌داستانی عموماً خود به عنوان یکی از شخصیت‌ها، در داستان حضور و مشارکت دارد و حضور او نیازمند اثبات نیست، ما به بررسی نشانه‌های حضور روایت‌گیر برون‌داستانی می‌پردازیم که پی بردن به حضور او تنها از طریق بررسی نشانه‌های آشکار یا ضمنی امکان‌پذیر است.

داستان‌های انتخابی این پژوهش یک بازه زمانی ده‌ساله (۱۳۹۰-۱۴۰۰) را دربرمی‌گیرد که نزدیک‌ترین بازه زمانی به دوره حاضر است. این مجموعه شامل چهل داستان کوتاه از فاطمه ابطحی، رفیع افتخار، مژگان بابامرندی، محمود برآبادی، بهمن پگاه راد، زهره تمیم‌داری، جعفر توزنده جانی، زهرا حکیمیان، صدیقه خسروی، فروزنده داورپناه، پری رضوی، مریم شکرانی، سارا طهماسبی، محمدرفیع ضیایی، سمیرا قیومی، درسا کاتب، مریم کوچکی، مهین منتظری رودبارکی و زهرا نوری است که در صفحه جزیره و هزار و یک شب هفته‌نامه‌ی دوچرخه به چاپ رسیده است.

یکی از دلایلی که ما را به انجام این پژوهش وامی‌دارد، این است که معمولاً در کمتر پژوهشی، داستان‌ها، اشعار و به طور کلی متون نشریات به ویژه نشریات کودک و نوجوان بررسی و تحلیل می‌شوند. بیشتر دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد و دکتری، کار مطالعاتی و تحقیقاتی خود را روی کتاب‌های موجود و قابل دسترس در کتابخانه‌ها و کتابفروشی‌ها انجام می‌دهند. در صورتی که کارکرد و تأثیر مطبوعات گاه فراتر از کتاب‌ها خودنمایی می‌کند و در این بین باید برای مطبوعات نقشی جدی قائل بود. هفته‌نامه دوچرخه اولین بار در پانزدهم دی ماه سال ۱۳۷۹ با سردبیری فریدون عموزاده‌خلیلی، به عنوان ضمیمه‌ی روزنامه همشهری ویژه گروه سنی نوجوان منتشر شد. در این نشریه در طول سال‌ها فعالیت، با برگزاری سیزده دوره فراخوان جذب خبرنگار افتخاری، از نوجوانان علاقه‌مند به روزنامه‌نگاری حمایت شد و آثار